



## خروج از مدار دانش

آیدا فریدی: نوشتار پیش‌رو با عنوان «خروج از مدار دانش» در تلاش است در فرصتی اندک اشاره‌ای داشته باشد به فرآیند تدریجی از دسترس خارج شدن دانش. چه در گزاره کارگاهی و صنفی و سازمانی و چه در گزاره سرزمینی و مرزی. اتفاقی که به واسطه قهر یا کم‌لطفی صنعت به دانشگاه یا برعکس، از مدت‌ها پیش در کشور در حال رخ دادن است و از قضا مسئول مربوط یا متولی خاص و فعالی در راستای آشتی میان این دو وجود ندارد. زیرساخت‌های سست بخش صنعت و فناوری‌های بخش کلان برای به کار گرفتن نیروی ماهر و متخصص به روز نمی‌شوند و همچنان دست به عصا پیش می‌روند. نیروی انسانی جوان با هزینه‌ها و وقت بسیار از مدرسه یگراست وارد دانشگاه می‌شود و به امید آنکه در انتها توشه‌ای از این چرخه تحصیلی عایدش خواهد شد با هزار امید و آرزو، روزهای دانشگاه را پشت‌سر می‌گذارد و در پایان وارد کارزار سخت‌تری با عنوان بازار کار می‌شود. اما چند درصد از آن دانشجویان که هر کدام در حوزه‌های گوناگون چند سالی درست خوانده‌اند، وارد بازار کار مرتبط با رشته تحصیلی خود خواهند شد؟ آمارها در پاسخ به این پرسش ذهنی می‌گویند نمی‌شود حتی خوش‌بین بود. هم‌زمان با دور شدن از فضای بنیادی و زیرساختی که فناوری روز دنیا را مهیا می‌کند، مفهوم مهاجرت قرار دارد. تلاش برای اخذ ویزای دانشجویی که به واسطه آن دانش نیز از مدار سرزمینی خارج خواهد شد.

زخم‌های بخش دانش و دانشگاه آن قدر زیاد هستند که هر قدر گزینه‌ها را با هم‌وزنات و در برابر هم قرار دهیم، باز هم گزینه‌ای برای اشاره وجود دارد. زنجیره‌ای از اتفاق‌ها که دومینوار یکدیگر را پیش می‌برند و این زخم عمیق‌تر و غیرقابل‌درمان‌تر می‌شود.

گزارش تصویری این شماره **همکار** با رویکرد تأثیرپذیری متقابل صنعت و دانشگاه در تلاش است اشاره‌ای داشته باشد به وضعیت و جایگاه دانش و دانشجو در روزی خاص به نام «روز دانشجو».

